

نقش چهارچوب مقرراتی محاسبه اسلامی در روند شفافیت و حسابداری سیستم مالی افغانستان

کریم الله امانی^۱، پوهنمل دکتور همایون غفورزی^۲

^۱محصل ماستری، دیپارتمنت امور مالی و بانکی، پوهنځی اقتصاد، پوهنتون کابل، کابل، افغانستان

^۲دیپارتمنت محاسبه، پوهنځی اقتصاد، پوهنتون کابل، کابل، افغانستان

ایمیل: Karimullahamani5@gmail.com

چکیده

هدف اصلی این مقاله، مطالعه تأثیر چهارچوب مقرراتی محاسبه اسلامی در روند شفافیت و حسابداری سیستم مالی افغانستان است. در مقاله حاضر با نمونه‌گیری غیر تصادفی، دیدگاه متصدیان سکتور بانک‌داری اسلامی افغانستان و شعبه‌های اسلامی بانک‌های متعارف و محصلان برنامه ماستری پوهنځی اقتصاد پوهنتون کابل با توزیع پرسش‌نامه‌ها، تحلیل گردیده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که چهارچوب مقرراتی محاسبه اسلامی نقش بارزی بر روند شفافیت و حسابداری در سیستم‌های مالی افغانستان داشته است. بیشتر پاسخ‌دهندگان این تحقیق، اعمال محاسبه اسلامی را در تمام سیستم مالی افغانستان موجه می‌دانند. تحقیق حاضر، پیشنهادات لازمه را نیز در خصوص اصلاح اغلاط عمدی در گزارش‌دهی مالی و نحوه جلوگیری از جعل و تزویر در گزارش‌دهی مالی و اشاعه بیشتر شفافیت و حسابداری در سیستم‌های مالی افغانستان ارائه کرده است.

اصطلاحات کلیدی: چهارچوب مقرراتی؛ محاسبه اسلامی؛ شفافیت؛ حسابداری؛ گزارش‌دهی مالی

The Role of the Islamic Accounting Regulatory Framework in Transparency and Accountability of Afghanistan's Financial System

Karimullah AMANI, Sr.Teaching Asstt. Hamayoun GHAFORZAY(Phd)

MFB Program, Economics Faculty, Kabul University, Kabul, Afghanistan

Department of Accounting, Economics Faculty, Kabul University, Kabul, Afghanistan

Email: Karimullahamani5@gmail.com

Abstract

This paper aims to examine the role played by the Islamic Accounting Regulatory Framework in fostering transparency and accountability within Afghanistan's financial system. Employing a survey-based research approach and closed-ended questionnaires, the study sought to gauge respondents' perceptions on this matter. The findings underscore the significant impact of the Islamic Accounting regulatory framework in boosting transparency and accountability within Afghanistan's financial landscape. Furthermore, the research advocates for necessary amendments to the country's financial system aimed at mitigating fraudulent activities and promoting greater transparency and accountability.

Keywords: Regulatory framework; Islamic Accounting; Transparency; Accountability; Financial reporting

مقدمه

در جوامع اسلامی به دلیل تأکید مصّرانه بر گزارش‌دهی شفاف، گزارش‌های مالی تهی از هر گونه دست‌کاری و تکنیک‌های وضعی اند، و از گزارش‌دهی مشحون از دست‌کاری جلوگیری می‌شود. علاوه بر صورت حساب‌های مالی عمده، نظیر محاسبه متعارف، محاسبه اسلامی موارد عمده و کثیر دیگری را در گزارش‌دهی خود به جوانب دیدخل اضافه کرده است (عبدالطیف، ۲۰۰۵)^{۱۳۳}. اسدالله، لطیفه و سکمانه^{۱۳۴} (۲۰۱۲) استدلال می‌کنند که ارزش‌ها و دکترین اسلامی از فعالیت‌های غیر قابل پیش‌بینی شده جلوگیری و مانع تزویر، تقلب، فریب‌کاری و عدم شافیت می‌شوند. این که شفافیت و حساب‌دهی چیست و چرا اینقدر در اسلام روی آن تأکید شده است، سلمان^{۱۳۵} (۲۰۲۲) استدلال می‌کند که "کلمات شفافیت و حساب‌دهی" با هم رابطه ناگسستگی دارند، و دست در دست همدیگر و به نحو موازی حرکت می‌کنند. در محاسبه اسلامی شفافیت به عنوان بر ملا کردن تمام ابعاد و زوایای مسایل مالی و حساب‌ها قلمداد می‌شود؛ به طبع آن حساب‌دهی در اسلام نیز از جایگاه والایی برخوردار است. یعنی در اسلام افرادی که در مسائل مالی فعالیت دارند، هم به عوام و هم به خداوند حساب‌ده هستند.

این مسئله شایان عنایت است؛ به رغم دیگر سیستم‌ها، چون محاسبه اسلامی ذریعه چهارچوب مقرراتی که مستبطن از قرآن و سنت است، کنترل می‌شود هیچ‌گونه اعمال کلاه‌بردارانه بایست در آن صورت نپذیرد. چون انسان به خداوند حساب‌ده است، و این عمل خود مسئولیت سنگینی را بر دوش محاسبین محاسبه اسلامی می‌گذارد، تا در اعمال محاسباتی شان رویکرد بی‌طرفانه و واقع‌بینانه را نسبت به مسایل مالی اتخاذ کرده و شفافیت و حساب‌دهی را به تمام سیستم‌های محاسبه اسلامی جوامع اسلامی اشاعه بدهند. پدیده "محاسبه اسلامی و چهارچوب مقرراتی آن همیشه مسئله متنازع فیه میان دانشمندان اسلامی و غیراسلامی بوده است (سلمان، ۲۰۲۲). دانشمندان غربی به این استدلال می‌کنند که چیزی بنام محاسبه اسلامی موجود نیست؛ اگر چنین باشد، سیستم‌های محاسباتی دیگری چون محاسبه عیسوی و سایر سیستم‌ها نیز باید عرض وجود کنند که منجر به عدم تقارن گزارش‌دهی مالی و عدم درک آن ذریعه جوانب دیدخل می‌شود (وینوکوم، ۲۰۱۲)^{۱۳۶}. ولی پرسش‌های اساسی که تا حالا پا برجا هستند، این است که شفافیت و حساب‌دهی در محاسبه اسلامی ذریعه چه چیزی تضمین می‌شوند؛ و آیا معیارهای گزارش‌دهی موضوعه چون IFRS و GAAP و سایر معیارهای محلی دیگر می‌توانند حاوی شفافیت و حساب‌دهی کامل باشند؟

133. AI-Abdullatif Sultan Abudllah

134. Asadillah, Latifa and Sukmana

135. Kautsar Riza Salman

136. T.Vinnicombe

آن‌گونه که از لابلای متون منوط به محاسبات اسلامی بر می‌آید، به پرسش اخیر با دیده تردید نگریسته می‌شود؛ پاسخ عمده دانشمندان اسلام و کسانی که در محاسبه اسلامی وارد هستند و تبهر دارند، این است که گزارش‌های تراوش شده از معیارهای موضوعه جهانی و محلی به نحو کامل بی‌نقص نیستند؛ چون ذریعه افراد ساخته و پرداخته شده‌اند، و همین دلیل خود موجب عدم شفافیت گزارش‌های مالی و محاسبوی می‌شود. وقتی محاسبین محض به جوانب ذیدخل پاسخده باشند، طبعاً در چنین سیستم، هر از گاهی موضوعات دل‌خواهانه و فریب‌دهنده‌ی رخنه می‌کنند، و تبعات ناخوشایندی بر شفافیت و حسابدهی وارد می‌کنند. ولی محاسبه اسلامی به رغم آن، به نحو انتزاعی محض به افراد پاسخده نیست؛ چون این نوع محاسبه مزبور در معاملات مالی و حسابداری به خداوند نیز حسابداده است؛ لذا مباحث دل‌خواهانه و ناشی از جعل و تزویر در آن به نسبت خیلی رخنه دارند.

با عنایت به نگرانی‌ها و دغدغه‌های مزبور، کشورهای اسلامی به تبع نگرانی‌های ناشی از عدم شفافیت و حسابداهی معیارهای جهانی، خود به نحو متحدانه به ساخت یک معیار مبنی بر ارزش‌های اسلامی اهتمام ورزیده‌اند، و در سال ۱۹۹۱ به تأسیس Accounting and Auditing Organization for Islamic Financial Institutions یا AAOIFI در کشور بحرین برای حل مسایل مربوط به محاسبه مبنی بر شریعت مبادرت ورزیدند (خان و همکاران، ۱۳۷۲: ۱۸). هدف از تأسیس سازمان مزبور، تطابق محاسبه با اصول شریعت، اشاعه اخلاق اسلامی در محاسبه و تضمین شفافیت و حسابدهی است (محمد، ۲۰۱۶: ۱۳۸). این سازمان چهارچوب مقرراتی مبنی بر شریعت را برای تمام سازمان‌های مالی اسلامی تدوین کرده است، و مواد مفصلی در خصوص در قید در آوردن محاسبه اسلامی در گزارش‌های خود تسجیل کرده است، که بسیاری از مواد آن در خصوص شفافیت و حسابدهی مطرح شده‌اند. به دلیل مطول بودن مواد متذکره و جلوگیری از اطباب در کلام، از ذکر مواد مزبور خودداری می‌گردد. علاقمندان چنین مباحث می‌توانند به نحو مفصل آن‌ها را در گزارش‌های منتشره سازمان AAOIFI دریابند.

خوشبختانه چهارچوب مقرراتی مدون سازمان مزبور در افغانستان ذریعه بانک مرکزی نیز تطبیق و اعمال شده است. بانک مرکزی تمام بانک‌های اسلامی و شعبه‌های اسلامی بانک‌های متعارف را ملزم به تبعیت از این اصول کرده است، و در طرزالعمل‌های رعایت اصول شریعت در باب بانک‌داری اسلامی در فقره‌های ۱۳-۱۷ تسجیل کرده است که طرزالعمل رعایت اصول شریعت باید طبق قوانین AAOIFI اجراء گردد، و همچنان در فقره ۲ رهنمود متذکره، نحوه استفاده از مواد مندرجه AAOIFI در خصوص چهارچوب مقرراتی محاسبه اسلامی مرقوم می‌دارد که اجراآت بانک باید همیشه در مطابقت با

¹³⁷ Shah Raza Khan, H.Khan, Khurshid Iqbal.

¹³⁸ . Noor Fazil Muhammad

چهارچوب مقرراتی و رهنمودهای صادر شده مورد شرعی و مورد نظارت شرعی د افغانستان بانک باشد (د افغانستان بانک، ۱۳۹۸).

به دلیل این که افغانستان نیز از جمله یکی از جوامع اسلامی است که با این چالش عمده روبرو است، و مسئله شفافیت و حسابداری در سیستم های مالی آن از مسائل بحث برانگیز است؛ به خصوص تبعات ناخوشایند بحران بانک که ناشی از عدم شفافیت و حسابداری مسئولان آن بانک در سال ۲۰۰۹ بود، ضربه ای بود بر پیکر خفته مردم که دیگر به نحو کورکورانه بالای سیستم های مالی متعارف اعتماد نکنند. چون محاسبه متعارف می تواند حاوی جعل و کلاهبرداری باشد. به رغم آن، اعمال محاسبه اسلامی در تمام سیستم های افغانستان می تواند یک گام عمده در روند شفافیت و حسابداری سیستم های مالی مؤثر تلقی شود، چون چهارچوب مقرراتی مبنی بر ارزش ها و آموزه های اسلامی آن می تواند از یک چنین پیامدهای مخرب جلوگیری کنند.

با توجه به همه این حقایق، تحقیق حاضر، به هدف تبیین نقش چهارچوب مقرراتی محاسبه اسلامی بر روند شفافیت و حسابداری سیستم های مالی در افغانستان به راه انداخته شده است؛ و ذریعه تحقیق کمی با ابزار پرسش نامه، دیدگاه متخصصین عرصه بانکداری اسلامی را جمع آوری و تحلیل کرده تا به پرسش اساسی مزبور پاسخ داده شود. در قسمت های آتی در قدم نخست به ادبیات تحقیق حاضر پرداخته شده است. متعاقباً به روش تحقیق توجه مبذول شده است؛ پس از آن به یافته های موجود تحقیق حاضر ذریعه تحلیل پرسش های موجوده در پرسش نامه پرداخته، و در فرجام هم به نتیجه گیری ناشی از یافته ها اشاره کرده و پیشنهادات لازمه در خصوص این مسائل مطرح گردیده اند.

سؤالات تحقیق

در کل این تحقیق حول پرسش های مطروحه آتی می چرخد، و به آن ها پاسخ های مستدل ارائه می گردد:

۱. آیا چهارچوب مقرراتی محاسبه اسلامی بر روند شفافیت و حسابداری در سیستم های مالی در افغانستان تأثیر دارد؟
۲. آیا چهارچوب مقرراتی محاسبه اسلامی مبنی بر AAOFI، پاسخ گوی مقتضیات عصر فعلی معاملات مالی است؟
۳. اعمال چهارچوب مقرراتی محاسبه اسلامی تا چه حد مؤسسات مالی را در نیل به اهداف شان، مساعدت می کند؟
۴. آیا چهارچوب مقرراتی محاسبه اسلامی ظرفیت تعمیم به تمام سیستم های مالی را در افغانستان دارد؟

مروری بر ادبیات تحقیق

جهانبینی‌ها و هنجارهای متفاوت در سراسر جهان منجر به تشکیل نظام‌های اقتصادی متنوع شده‌اند؛ و این نظام‌های اقتصادی مستلزم محاسبه منحصر به فرد و خاص خود هستند؛ لذا عقلانی و حرفه‌یی نیست که محض یک نسخه قبلاً تهیه شده محاسبه را به تمام نظام‌ها تعمیم دهیم؛ چون نتیجه مطلوبی در پی نخواهد داشت (حفیظ‌الله، ۲۰۰۹)^{۱۳۹}. اسلام به‌عنوان یک دین فراگیر و همه‌جانبه تمام ابعاد زندگی انسان را در نوردیده و احاطه کرده و در تمام امورات زندگی انسان-سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی احکام خاص خود را دارد. اسلام با جهانبینی منحصر به فرد خود در تمام امورات زندگی خط‌مشی و رویکرد خاص خود را دارد. محاسبه هم از این خط‌مشی عاری نیست.

دین به‌عنوان یک عامل فرهنگی و برجسته محسوب می‌شود که بر تمام نهادهای اجتماعی تاثیرگذار است و محاسبه نیز یکی از همین نهادها است. اسلام به‌عنوان یک دین نمونه خاصی است که تأثیر بالقوه آن بر رویه‌های محاسبوی و ارزش‌های مشتق شده از آن به خوبی از لابلای قرآن و سنت فهمیده شده می‌تواند (آراغ، ۱۳۹۲). مبرهن است که نیاز مبرم به محاسبه‌یی که در مغایرت با ارزش‌های اسلامی نباشد و بتواند ضرورت‌های رو به افزایش سیستم‌های مالی را ارضا کند، در جوامع اسلامی کاملاً محسوس است. به همین دلیل به چهارچوب مقرراتی نیاز است تا این محاسبات متنوع سیستم‌های مالی را از حالت تباعد به تقارن بکشانند تا بتوانند به نحو یک‌پارچه و هماهنگ عمل کرده و شفافیت و حسابداری را به جامعه اسلامی عرضه کنند (وحیدالله، ۲۰۰۹)^{۱۴۰}. از آن‌جا که جمیع احکام در خصوص تمام ابعاد زندگی انسان در قرآن کریم مسطور و مرقوم است (قرآن کریم؛ سوره ۵ آیه ۳)؛ بناً محاسبه اسلامی نیز از این امر مستثنی نیست و در بسیاری موارد در آن به محاسبه‌یی که مبنای آن شریعت است به نحو تلویحی و در برخی موارد هم آشکارا به آن اشاره شده است. چنان‌چه خداوند در آیه ۲۸۲ سوره البقره می‌فرماید: «ای کسانی‌که ایمان آورده‌اید؛ اگر در معاملات تان پول نقد پرداخت نکردید باید آن را نوشته کنید. بگذارید یک نویسنده آن را نوشته کند. و اجازه ندهید چیزی از قرض خود کم کند». در این متن اگرچه با صراحت تمام به مبحث شفافیت و حسابداری پرداخته نشده است؛ ولی به نحو تلویحی به آن اشاره شده است (والویا و ملاالدین، ۲۰۲۰)^{۱۴۱}. که برای اهل فهم این‌گونه اشارات کافیت. از طرفی مقوله‌هایی چون شفافیت و حسابداری از لابلای متون قرآنی استنباط شده‌اند که خداوند متعال مکرراً و هشت مرتبه از حساب و کتاب به‌عنوان ریشه شفافیت و حسابداری یاد می‌کند.

139. A. M, Sayed Hafizullah.

140. A. WahidUllah.

141. A. H. Waluya, A. Mulahudin.

گمبلینگ و عبدالکریم (۱۹۸۶) استدلال می‌کنند که تیوری محاسبه بخشی از شخصیت و بنابراین بخشی از فرهنگ است. لذا اگر اشخاص اسلامی باشند، شخصیت شان همچنان اسلامی است و بناً محاسبه شان نیز اسلامی است؛ از همه مهمتر این که چهارچوب مقرراتی شان در بردارنده قوانین شرع است، و از این چهارچوب تعدی نمی‌ورزند.

اگر چه جوامع غربی هم به نحو نسبی به دین باورمند هستند؛ ولی نظام‌های اقتصادی و سیستم‌های مالی شان تحت الشعاع دین قرار ندارند و نظام‌های کاملاً وضعی را در سیستم‌های مالی شان ایجاد نموده اند (احمد، ۲۰۰۲)^{۱۴۲} بناً این گونه رهیافت‌ها مبنای اشتباهی برای محاسبه نیز می‌گذارند و محاسبه را صرف به گزارش دهی مفاد و ضرر و وضع مالی کمپنی/تصدی محصور می‌کنند. این گونه ساختار محاسبه در شفافیت و حسابداری محکوم به شکست است (مجید، ۲۰۱۴)^{۱۴۳}. چون شفافیت در اسلام به عنوان پاسخگو بودن به خداوند است (سلمان، ۲۰۲۲)^{۱۴۴}. مؤسسات مالی که در داخل چهارچوب مقرراتی محاسبه اسلامی فعالیت می‌کنند به رغم محاسبه متعارف غربی عملکردهای متفاوتی نظیر توزیع مساویانه ثروت، شفافیت کامل محاسباتی، عنایت به جوانب ذیدخل، تقویت عدالت اجتماعی و شفافیت دینی دارند (کلامتیا، ۲۰۱۴)^{۱۴۵}. علی رغم وجود این یافته‌ها و وجود فضای حاکم بر جوامع غربی با کاوش عمیق در فضای حرفه به این واقعیت پی می‌بریم که مفروضات فلسفی FASB (Financial Accounting Standard Board) با اصول اعتقاد مسیحیان و چهارچوب دینی شان سازگار تراست و اعاده مجدد تقوا، پرهیزگاری، شفافیت و حسابداری در دستور کارشان قرار دارد (نصر، ۱۳۹۸). چهارچوب‌های مقرراتی محاسبه اسلامی در اشاعه شفافیت و حسابداری محض به هدف گزارش دهی به جوانب ذیدخل موجود نیستند، بلکه بر اساس آموزه‌های اسلامی انسان پاسخگو و مسئول در برابر اعمال خود در نزد خداوند است (بصری و همکاران، ۲۰۱۶)^{۱۴۶}.

با این گونه یافته‌ها به این نتیجه می‌رسیم که اسلام در معاملات روزمره انسان‌ها تأکید بر شفافیت و حسابداری و اشاعه شان داشته و از معاملاتی که منفعت جامعه و خیر و صلاح عامه در آن مضمّن نباشد بر حذر می‌دارد.

پاییند بودن به ارزش‌های اسلامی و سنت‌های آن، فعالیت‌های کلاه‌بردارانه و مشحون از تزویر و جعل کاری را کاهش داده و منجر به اشاعه شفافیت و حسابداری در جوامع اسلامی می‌شود (اسدالله و

¹⁴². H. Ahmed.

¹⁴³. Halding Majid

¹⁴⁴. Kaustar Reza Salman.

¹⁴⁵. Hassan Kalamatian.

¹⁴⁶. Hasan Basri, &et al.

همکاران، ۲۰۱۲)^{۱۴۷}. به رغم این که فعالیت محاسبه مالی متعارف در حد خدمت به یک گروپ محدود است، محاسبه اسلامی منفعت تمام گروپ‌هایی که در جوامع اسلامی هستند را مورد نظر قرار داده و در جهت ارضای خواسته‌های تمام کتله‌های قومی مساعی به خرج داده تا باشد وجیه دینی‌اش را که خداوند آن را بر دوشش گذاشته است انجام بدهد (تروکیک، ۲۰۱۵)^{۱۴۸}. فعالیت‌هایی که بر مبنای محاسبه اسلامی و در چهارچوب مقررات اسلام انجام می‌شوند نقش بارزی را در اعتبار معلومات محاسباتی دارا می‌باشند (طالب و همکاران، ۲۰۱۴)^{۱۴۹} معیارهای وضعی کثیری در اقصی نقاط جهان نظیر (IFRS (International Financial Reporting Standards و همچنان معیار بین‌المللی GAAP (General Accepted Accounting Principles) و سایر معیارها و چهارچوب‌های مقرراتی به میان آمده‌اند و توسعه داده شده‌اند تا گزارش‌دهی مالی را از هرگونه تناقض و پراکندگی و عدم شفافیت بهبود ببخشند؛ اما با این حال چون مبنای شان بر اساس مفاد و منفعت به یک گروپ معین است و توسط خود انسان‌ها وضع شده‌اند تهی از اشتباهات و اغلاط فاحش نیستند؛ از طرفی چون بُعد اخلاقی در هیچ یک از این معیارها در نظر گرفته نشده‌اند و پاسخ‌گوی هیچ فرد یا نهادی هم نیستند- اگر پاسخگو هم باشند به نحو سهل می‌توانند در قسمت گزارش‌دهی تغییرات اعمال کنند و کارکرد خود را مطلوب تبارز بدهند. بناً این عنایت بیش از حد به منفعت تعداد معدود و عدم رعایت اخلاق حرفه‌یی، منجر به تصویر غیر واقعی و گمراه‌کننده از وضعیت یک سازمان یا تصدی می‌شود، و انعکاس واقعی فعالیت‌های یک سازمان در گزارش‌هایش نیست (ماداوایخا و خوتانولو، ۲۰۱۲)^{۱۵۰}. از آن جا که محاسبه اسلامی و محاسبه متعارف با هم تقارن ندارند و وجوه افتراق شان- خاصتاً تحریم ربا و منفعت عامه- نسبت به وجوه اشتراک شان خیلی مشهود است. بناً در جوامع اسلامی فعلی بایست چهارچوب‌های مقرراتی اسلامی نیز اعمال شوند؛ زیرا ساختار اقتصادی-اجتماعی جوامع اسلامی با جوامع غربی فرق دارد (کریم، ۲۰۱۱)^{۱۵۱}.

هرچند افغانستان کشوری است که نظام آن اسلامی است و ادعای آن را دارد که چهارچوب اسلامی را در تمام ابعادش اعمال می‌کند؛ ولی تا حال موفق به تطبیق چهارچوب مقرراتی و معیارهای محاسبوی مشتق شده از AAOIFI نشده است. براساس AAOIF هر بانک اسلامی ملزم به تأسیس SSB (Sharia Supervisory Board) است که وظیفه‌ی مورد مزبور نه تنها بازرسی داخلی، بلکه انتظام ساختار مؤسسات

147. C.Asadillah.I. N. Latifah, & D.Sukmana

148. A.Trokic

149. M.A Talib, A.A Abdullah, A .Abdullah.

150. M .Mahdavihou, & M.Khotanlou.

151. R.Karim.

مالی نیز است (گریس و پلگرینی، ۲۰۰۶)^{۱۵۲}. به منظور پرداختن و حل قضایای بغرنج محاسباتی و شفاف ساختن محاسبات در افغانستان، در اکتوبر ۲۰۱۵ بانک مرکزی افغانستان مبادرت به تدوین چهارچوب مقرراتی برای بانک‌های اسلامی ورزید و در سال ۲۰۱۶ افغانستان رسماً به صنعت مقررات محاسبه اسلامی جهانی قدم برداشت (صافی و همکاران، ۲۰۲۰)^{۱۵۳}. علی رغم وجود سیستم محاسبه اسلامی در برخی مؤسسات مالی در افغانستان نظیر بانک اسلامی افغانستان، AIB بانک و غضنفر بانک؛ تحقیقی که ذریعه لینا صافی و سایرین (۲۰۲۰) به هدف تبیین اعتماد مشتریان به شفافیت سیستم‌های مالی اسلامی و محاسبه اسلامی انجام شده است، نتایج ناامیدکننده‌یی را نشان می‌دهند؛ و ذریعه نتایج تحقیق خود دریافته‌اند که نسبت فقدان چهارچوب مقرراتی قانونی و رسمی، مردم به خدمات؛ گزارش دهی و شفافیت مؤسسات مالی بی باور اند. از طرف دیگر عبدالطیف (۲۰۰۵) ذریعه تحقیقی در سیستم مالی کشور عربستان، به این نتیجه می‌رسد که نقش چهارچوب مقرراتی محاسبه اسلامی بر روند شفافیت و حسابداری سیستم مالی عربستان بارز است، و تعداد کثیری از پاسخ‌دهندگان تحقیق او، باورمند بوده اند که چهارچوب مقرراتی محاسبه اسلامی پتانسیل لازم را برای تعمیم در تمام سیستم‌های مالی عربستان دارا است. از آن جا که چهارچوب مقرراتی جزء لاینفک هر سیستمی است، و بدون آن در هر سیستمی آناشیزم حکم فرماست (مخلوف، ۲۰۱۸)^{۱۵۴}. بنأً مقررات اسلامی نیز در ساحة محاسبه سیطره دارد و مسئول تنظیم و ترتیب معیارها برای سیستم‌های محاسباتی در چوکات شریعت‌اند.

با عنایت به این نکات، این مقاله در صدد تبیین و مبرهن ساختن نقش چهارچوب مقرراتی محاسبه اسلامی در شفافیت، گزارش دهی و حسابداری در افغانستان است. همچنان دراین مقاله سعی براین است تا در پهلوی تبیین اثرات مقررات محاسباتی اسلامی بر شفافیت و راپوردهی، اشارات جسته گریخته‌یی هم به مفهوم و ماهیت شفافیت و حسابداری از منظر اسلام داشته باشیم. با انجام این تحقیق مبرم و اساسی که تا حال چنین تحقیقی در زمینه نقش محاسبه اسلامی در شفافیت و حسابداری سیستم‌های مالی افغانستان نشده است، کمک شایانی به غنای ادبیات محاسبه اسلامی و تطبیق و اعمال آن می‌گردد.

روش تحقیق

به دلیل این که پاسخ مستدل و مؤجه را به پرسش اصلی تحقیق دریافت کنیم، تحقیق حاضر بر حول محور روش تحقیق سروی (Survey-based empirical research) می‌چرخد؛ و با طرح پرسشنامه بسته (Closed-ended)، به شکل Likert Scale با مقیاس های ۱ تا ۵ کودگذاری شده‌اند، تا انتخاب‌های متنوع

¹⁵². M. Grais, M. Pellegrini

¹⁵³. Lina Safi, & et al

¹⁵⁴. M. Makhlof,

پاسخ‌دهندگان را تبارز بدهند. این پرسش‌نامه‌ها به افرادی که با محاسبه اسلامی و چهارچوب مقرراتی آن مأنوس اند و بر آن وقوف دارند، توزیع شده‌اند. به سبب حساسیت و تخنیکی بودن موضوع تحقیق فعلی، امکان پروسه نمونه‌گیری کثیری از جامعه آماری نبود؛ لذا به تعداد ۲۶۵ تن از پاسخ‌دهندگان، به نحو غیرتصادفی از میان کارمندان بانک اسلامی افغانستان، شعبه‌های اسلامی بانک‌های متعارف و هم‌چنان محصلان برنامه ماستری پوهنخی اقتصاد پوهنتون کابل به دلیل مأنوس بودن شان با ماهیت محاسبه اسلامی و چهارچوب مقرراتی آن انتخاب گردیده‌اند. پرسش‌نامه استفاده شده تحقیق حاضر، از تحقیق عبدالطیف (۲۰۰۵) که در پوهنتون دورهام کشور انگلستان آن را انجام داده است، اتخاذ و با تعدیلات شایان توجه، به هدف انطباق‌پذیری و سازگاری آن با جامعه آماری ما در افغانستان، توزیع شده‌اند. پرسش‌نامه‌های جمع‌آوری شده، ذریعه نرم افزار SPSS کودگذاری و به نحو توصیفی، با ارایه فیصدی‌ها و جداول به هدف درک بهتر از رویکرد و نگرش افراد به چهارچوب مقرراتی محاسبه اسلامی و اثر آن بر روند شفافیت و حسابداری در سیستم‌های مالی در افغانستان تحلیل شده‌اند. از همه مهمتر، روش ردیف‌بندی (Ranking) بالای پرسش‌های مطرح شده در قالب Likert Scale با داشتن بیشترین اولویت اعمال و تطبیق شده است تا گزینه‌های با اولویت بیشتر را متبلور، و به این صورت در درک بهتر پاسخ اشتراک‌کننده‌گان، مساعدت نماید.

یافته‌های تحقیق

به هدف مبرهن ساختن اثر چهارچوب مقرراتی محاسبه اسلامی بر روند شفافیت و حسابداری سیستم‌های مالی در افغانستان، ما مبادرت به توزیع پرسش‌نامه‌ها در بین افراد متبحر و آگاه در خصوص مسایل محاسباتی و مالی و مخصوصاً کسانی که در بانک اسلامی افغانستان و شعبه‌های اسلامی بانک‌های متعارف (اولین بانک قرضه‌های کوچک، غضنفر بانک، افغان یونایتد بانک و بانک ملی افغان) که متصدیان امور بخش‌های متعدد امور مالی و حسابداری اسلامی‌اند، کردیم. همچنان به‌خاطر حصول اهداف تحقیق به نحو احسن، تعداد قابل ملاحظه‌یی از پرسشنامه‌ها بین محصلان برنامه ماستری پوهنخی اقتصاد پوهنتون کابل توزیع شده‌اند، که نتیجه خوبی از چنین رویکرد به‌دست آمد.

از میان ۲۶۵ پرسش‌نامه توزیع شده، به تعداد ۲۵۳ پرسش‌نامه توزیع شده پاسخ داده شده‌اند، و ۱۲ پرسش‌نامه دیگر به دلیل عدم پاسخ دادن به برخی پرسش‌های مطرح شده در آن-که ناشی از عدم درک درست پاسخ‌دهنده از ساختار و یا عدم تحلیل درست پرسش مطرح شده بوده است- قابل تحلیل نبودند و از تحلیل آن طفره رفته و صرف نظر کردیم.

ذریعه جدول ۱ معلوم می‌گردد که در میان پاسخ‌دهندگان، به تعداد ۱۰۰ تن آن‌ها در نمایندگی اصلی و سایر نمایندگی‌های بانک اسلامی افغانستان مصروف کار اند، همچنان ۳۳ تن دیگر آن‌ها در شعبات اسلامی اولین بانک قرضه‌های کوچک، ۲۵ تن آن‌ها در شعبه‌های اسلامی غضنفر بانک، ۲۶ تن دیگر در افغان یونایتد بانک و ۱۶ تن دیگر در شعبه اسلامی بانک ملی افغان فعالیت دارند. همچنان به تعداد ۵۳ تن از پاسخ‌دهندگان، محصلان ماستری اند. شرح اجمالی آن در جدول آتی آورده شده است:

جدول ۱: نوعیت اشتراک‌کننده‌گان تحقیق

نوعیت	تعداد	فیصدی
کارمند بانک اسلامی	۱۰۰	۳۹.۵
کارمند شعبه اسلامی اولین بانک قرضه‌های کوچک	۳۳	۱۳.۰
کارمند شعبه اسلامی غضنفر بانک	۲۵	۹.۹
کارمند شعبه اسلامی افغان یونایتد بانک	۲۶	۱۰.۳
کارمند شعبه اسلامی بانک ملی افغان	۱۶	۶.۳
دانش آموز کارشناسی ارشد	۵۳	۲۰.۹
مجموع	۲۵۳	۱۰۰.۰

با توجه به جدول ۲ از میان همه پاسخ‌دهندگان تحقیق حاضر، در حدود ۸۹ درصد آن‌ها از جمله مردان بوده اند، و فیصدی اندکی از آن‌ها (۲۷ تن) از طبقه اناث بوده‌اند.

جدول ۲: جنسیت پاسخ‌دهندگان

جنسیت	تعداد	فیصدی
مذکر	۲۲۶	۸۹.۳
مؤنث	۲۷	۱۰.۷
مجموع	۲۵۳	۱۰۰

همچنان با توجه به جدول ۳ یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که سن بیشتر پاسخ‌دهندگان تحقیق حاضر، بین ۲۰-۳۰ است (۵۰.۲٪). متعاقباً به تعداد ۱۱۳ تن از پاسخ‌دهندگان بین سنین ۳۱-۴۰ بوده‌اند. از جدول تلخیص شده آتی می‌توان استنباط کرد که تعداد کثیر اشتراک‌کننده‌گان تحقیق، جوانانی اند که تازه وارد سکتور بانکی شده‌اند. این خود نقطه قوت است؛ چون افراد با سنین کمتر دارای دید وسیع‌تر و دارنده دانش کافی و مهارت‌های کافی اند. و همچنان این افراد مترصد آموختن اساسات بانک‌داری اسلامی و محاسبه اسلامی هستند.

جدول ۳: سن پاسخ‌دهندگان

سن	تعداد	فیصدی
۲۰-۳۰	۱۲۷	۵۰.۲
۳۱-۴۰	۱۱۳	۴۴.۷
۴۱-۵۰	۱۱	۴.۳
۵۱-۶۰	۱	۰.۴
بالتر از ۶۰	۱	۰.۴
مجموع	۲۵۳	۱۰۰

با عنایت به جدول ۴ در خصوص تحصیلات پاسخ‌دهندگان بایست عرض کرد که تعداد بیشتر افرادی که در این تحقیق شرکت کرده‌اند، سند لیسانس داشته‌اند (در حدود ۷۰.۸٪). همچنان به تعداد ۶۷ تن از پاسخ‌دهندگان، دارنده سند ماستری و یا محصل مقطع ماستری بوده‌اند. به یقین می‌توان اظهار داشت که سطح تحصیلات افراد و درک کامل از پروسه محاسبه و مخصوصاً محاسبه اسلامی و چهارچوب مقرراتی آن تقارن و نزدیکی دارند، و این امر می‌تواند در درک کامل چهارچوب مقرراتی محاسبه اسلامی و تأثیر آن بر شفافیت و حسابداری سیستم‌های مالی کمک کند. جزئیات توضیحات مزبور را می‌توان در جدول آتی تلخیص کرد:

جدول ۴: میزان تحصیلات پاسخ‌دهندگان

تحصیلات	تعداد	فیصدی
فوق بکلوریا	۶	۲.۴
لیسانس	۱۷۹	۷۰.۸
ماستر	۶۷	۲۶.۵
دکتور	۱	۰.۴
مجموع	۲۵۳	۱۰۰

به همین منوال آن‌گونه که از جدول ۵ بر می‌آید تعداد بیشتر افرادی که در این تحقیق اشتراک داشته‌اند، دارنده تجربه کاری بین پنج تا ده سال هستند (۳۷.۹٪) و متعاقباً به تعداد ۷۹ نفر از پاسخ‌دهندگان دارنده تجربه کمتر از پنج سال هستند. این مسئله مکتوم نیست که میزان تجربه کاری رابطه مستقیمی با درک کامل پروسه محاسبه و به خصوص محاسبه اسلامی و چهارچوب مقرراتی آن دارد. بناداشتن تجربه کاری به خصوص در بانک اسلامی و همچنان شعبه اسلامی بانک متعارف خود مصداق آگاهی از پروسه‌های محاسباتی اسلامی و اشاعه شفافیت و حسابداری است. شایان ذکر است که به تعداد ۱۴ تن از اشتراک‌کنندگان فاقد تجربه کاری بوده‌اند. به دلیل این‌که این افراد تا حال مصروف تحصیل در مقطع

ماستری در پوهنخی اقتصاد هستند و تا حال وارد بازار کار نشده‌اند. شرح اجمالی و کوتاه این مسئله را می‌توان از جدول آتی حصول کرد، و به این مسئله به نحو درست و به وجه احسن درک کرد.

جدول ۵: میزان تجربه کاری پاسخ‌دهندگان

تجربه کاری	تعداد	فیصدی
بدون تجربه کاری	۱۴	۵.۵
کمتر از پنج سال	۷۹	۳۱.۲
۵-۱۰ سال	۹۶	۳۷.۹
۱۱-۱۵ سال	۵۰	۱۹.۸
۱۶-۲۰ سال	۳	۱.۲
بیشتر از بیست سال	۱۱	۴.۳
مجموع	۲۵۳	۱۰۰.۰

پس از توضیحات دیموگرافیکی و سایر موارد مربوط به پاسخ‌دهندگان، به‌منظور جلوگیری از اطناب در کلام و تلخیص کلام، حالا روی یافته‌ها و شیرازه اصلی تحقیق به نحو اجمالی با جداول استخراج شده از پاسخ اشتراک‌کننده‌گان می‌پردازیم.

اولین و مبرم‌ترین پرسش مطرح شده در پرسش‌نامه که تحقیق حاضر حول آن می‌چرخد، این است که آیا موافق/مخالف هستید که راپورهای مالی منتشر شده مبنی بر چهارچوب مقرراتی محاسبه اسلامی، حاوی شاخص‌های آتی شفافیت و حسابداری در سیستم‌های مالی هستند؟ پاسخ‌های دریافت شده از پرسش مطرح شده مزبور در جدول آتی به نحو اجمالی طور ذیل تلخیص شده است:

جدول ۶: شاخص‌های شفافیت و حسابداری در چهارچوب مقرراتی محاسبه اسلامی

شاخص‌های شفافیت و حسابداری	کاملاً موافق (%)	موافق (%)	نمیدانم (%)	مخالف (%)	کاملاً مخالف (%)	ردیف
مقرون به واقعیت	۴۶.۶	۳۹.۵	۷.۹	۴.۳	۱.۶	۱
بودن راپور دهی مالی	۳۴.۸	۵۱.۴	۷.۱	۵.۵	۱.۲	۲
قابل مقایسه بودن با سایر راپورهای مالی متعارف	۳۰.۴	۳۹.۹	۱۶.۲	۹.۵	۴.۰	۳
عام فهم و سلیس بودن	۲۶.۵	۴۲.۳	۱۱.۵	۱۲.۶	۷.۱	۴
عدم تعدیلات غیر ضروری در سیستم‌های محاسبه	۲۲.۲	۴۰.۵	۱۶.۶	۱۰.۷	۹.۹	۵

شفافیت و حسابداری در گزارش‌دهی مالی مباحث کیفی اند؛ لذا به خودی خود محاسبه شده نمی‌توانند، بلکه ذریعه شاخص‌های عمده می‌توانند توضیح داده شوند و مبرهن شود که گزارش‌های تراوش شده از سیستم‌های مالی تا چه حد شفاف و حسابداری به جوانب ذیدخل و علاقمندان هستند. با عنایت به این مباحث آن‌چه از جدول ۶ هویدا است، مهمترین شاخصی که ذریعه آن می‌توان دانست که آیا چهارچوب مقرراتی محاسبه اسلامی در شفافیت و حسابداری سیستم‌های مالی در افغانستان مؤثر است یا خیر، مقرون به واقعیت بودن راپورهای مالی است که در رتبه‌بندی، در ردیف اول (با فیصدی ۴۶.۶٪ و رتبه ۱) قرار گرفته است؛ یعنی بیشتر پاسخ‌دهندگان باورمند به این هستند که در گزارش‌های مالی منتشر شده بر مبنای چهارچوب مقرراتی محاسبه اسلامی، محض حقایق تبلور یافته‌اند. متعاقباً قابل اعتماد بودن گزارش‌های منتشر شده بر مبنای چهارچوب مقرراتی محاسبه اسلامی، در ردیف دوم، قابل مقایسه بودن گزارش‌های مالی مبنی بر چهارچوب مقرراتی محاسبه اسلامی در ردیف سوم، و به همین منوال عام فهم بودن و سلیس بودن گزارش‌ها در ردیف چهارم و در فرجام عدم تعدیلات غیر ضروری در سیستم‌های محاسبه، با میزان ۲۲.۲٪ در ردیف آخر قرار دارند. این یافته‌ها در تقارن کامل با یافته‌های عبدالطیف (۲۰۰۵) قرار دارند. این یافته‌ها خود می‌رسانند که تعداد کثیری از جامعه آماری ما به این باورمند اند که چهارچوب مقرراتی محاسبه اسلامی، نقش بارزی در شفافیت و حسابداری در سیستم‌های مالی افغانستان، ایفا می‌کنند.

پرسش دیگری که از پاسخ‌دهندگان پرسیدیم این بود که "آیا معتقد هستید که اعمال چهارچوب مقرراتی محاسبه اسلامی در سیستم‌های مالی منجر به حصول اهداف ذیل خواهد شد؟". پاسخ‌های حصول شده از پرسش فوق در جدول آتی به نحو ذیل خلاصه شده است که می‌توان به نحو درست و به وجه احسن پاسخ اشتراک‌کنندگان را از آن استنباط کرد:

جدول ۷: اعمال چهارچوب مقرراتی محاسبه اسلامی، در جهت حصول اهداف مطلوب مالی

اهداف	رجحان کامل (%)	رجحان (%)	نمیدانم (%)	عدم رجحان کامل (%)	ردیف
هماهنگ کردن راپورهای مالی در تمام سیستم ها	۳۰.۸	۵۲.۵	۸.۷	۵.۵	۲
تقویت افشاسازی معلومات مالی شفاف	۲۹	۴۵.۵	۱۷.۴	۵.۵	۳
تحقق یکنواختی راپوردهی مالی تقویت اعتماد	۲۶.۹	۴۰.۷	۱۷.۰	۱۱.۵	۴
جوانب ذیدخل به سیستم های مالی	۳۲.۸	۴۱.۱	۱۱.۵	۹.۱	۱

آنچه را می توان از جدول ۷ استنباط کرد، اینست که تقویت اعتماد جوانب ذیدخل به سیستم های مالی از جمله مهمترین هدفی بوده است که از دید پاسخ دهندگان (۳۲.۸٪) افراد کاملاً موافق این مسئله اند و در ردیف اول رتبه بندی قرار دارد) چهارچوب مقرراتی محاسبه اسلامی در جهت نیل به آن، موفق بوده است. متعاقباً در رتبه دوم و با ٪۳۰.۸ پاسخ دهندگان، هماهنگ کردن گزارش دهی مالی، قرار دارد، که هدف مزبور از میان اهدافی بوده است که چهارچوب مقرراتی محاسبه اسلامی به آن دست یافته است. به همین منوال تقویت افشاسازی کامل معلومات مالی به نحو شفاف با (۲۹٪) و رتبه (Rank) ۳ و همچنان تحقق یک نواختی گزارش دهی مالی در تمام دوره های مالی (با رتبه یا Rank چهارم و با ٪۲۶.۹ پاسخ دهندگان) از میان اهدافی بوده است که به دید پاسخ دهندگان تحقیق حاضر، چهارچوب مقرراتی محاسبه اسلامی، در حصول آن ها موفق بوده است.

همچنان جواب پاسخ دهندگان در خصوص این که "آیا با اهداف آتی گزارش دهی مالی ذریعه صورت حساب های مالی مبنی بر چهارچوب مقرراتی محاسبه اسلامی موافق/مخالف هستید؟" را در جدول آتی به نحو ذیل آورده ایم:

جدول ۸: اهداف گزارش‌دهی مالی ذریعه صورت حساب‌های مالی مبنی بر چهارچوب مقرراتی محاسبه اسلامی

اهداف	کاملاً موافق (%)	موافق (%)	نمیدانم (%)	مخالف (%)	کاملاً مخالف (%)	ردیف
تهیه معلومات مالی						
در مطابقت با شریعت اسلامی	۵۰.۲	۳۸.۳	۵.۹	۳.۶	۲.۰	۱
تهیه معلومات در مورد منابع مالی و وجایب آن	۳۵.۲	۴۸.۶	۹.۵	۴.۰	۲.۸	۴
کمک به مقایسه محاسبه اسلامی و محاسبه متعارف	۳۵.۲	۴۳.۵	۱۳.۴	۵.۹	۲.۰	۵
کمک به تبیین مسؤولیت‌های اجتماعی مؤسسات مالی	۳۶.۸	۴۴.۷	۹.۹	۵.۹	۲.۷	۳
تهیه معلومات در خصوص منابع و وجوه استفاده	۴۱.۱	۳۸.۳	۱۱.۱	۵.۵	۴.۰	۲
ذکات						

جدول ۸ به وضوح نشان می‌دهد که از دید اشتراک‌کننده‌گان تحقیق حاضر، تعداد کثیر شان (۵۰.۲٪) کاملاً موافق هستند که تهیه معلومات مالی در مطابقت با شریعت اسلامی از جمله یکی از والاترین هدف محاسبه اسلامی است، و در رتبه بندی (Ranking) موقف نخست را از آن خود کرده است. به همین منوال در رتبه دوم، تهیه معلومات در خصوص منابع و وجوه استفاده از ذکات، از میان اهداف عمده‌ی گزارش‌دهی مبنی بر چهارچوب مقرراتی محاسبه اسلامی است، که ۴۱.۱٪ افراد با این هدف کاملاً موافق اند. متعاقباً کمک به تبیین مسؤولیت‌های اجتماعی مؤسسات مالی در رتبه ۳ با ۳۶.۶٪ و تهیه معلومات در مورد منابع مالی و وجایب آن در ردیف ۴ با فیصدی ۳۵.۲٪ و کمک به مقایسه محاسبه اسلامی و محاسبه متعارف نیز در رتبه ۴ با ۳۵.۲٪ از میان اهداف عمده گزارش‌دهی مالی مبنی بر چهارچوب مقرراتی محاسبه اسلامی هستند.

در خصوص پرسش مربوط به اینکه "ارجحیت شما در انتخاب گزینه های بدیل معیارهای گزارش دهی آتی چیست؟" جواب پاسخ دهندگان به نحو آتی در جدول ۹ به نحو اجمالی به منظور درک بهتر خوانندگان از پاسخ اشتراک کننده گان تحقیق فعلی آورده شده است:

جدول ۹: ارجحیت پاسخ دهندگان در انتخاب گزینه های بدیل معیارهای گزارش دهی

ردیف	عدم رجحان کامل (%)	عدم رجحان (%)	نمیدانم (%)	رجحان (%)	رجحان کامل (%)	بدیل
۱	۰.۸	۱.۶	۱۵.۴	۲۸.۱	۵۴.۲	معیارهای AAOIFI
۳	۰.۴	۵.۱	۱۹.۸	۴۰.۳	۳۴.۴	معیارهای گزارش دهی GAAP
۲	۰.۸	۲.۸	۸.۳	۳۷.۹	۵۰.۲	معیارهای گزارش دهی IFRS
۴	۲۰.۲	۱۷.۴	۲۹.۶	۲۴.۹	۷.۹	معیارهای SOCPA

بدون صهیویت و به نحو سهل از یافته جدول ۹ می توان استنباط کرد که افراد کثیر کارمند بانک اسلامی و شعبات اسلامی بانک های متعارف و همچنان محصلان، چهارچوب مقرراتی محاسبه اسلامی و تطبیق آن را در سیستم های مالی ارجحیت می دهند. معیار AAOIFI که اساس چهارچوب مقرراتی محاسبه اسلامی است، از لحاظ رتبه بندی (Ranking) در صدر قرار دارد (با ۵۴.۲٪). این مسئله ناشی از دست آوردهای ملموسی است که تطبیق مواد و طرز العمل های معیارهای AAOIFI سبب آن ها شده است. این خود می رساند که تطبیق چهارچوب مقرراتی محاسبه اسلامی سبب سهولت در درک سیستم های مالی می شود، چون استفاده آن عاری از هر نوع دست کاری و کلاه برداریست.

از طرف دیگر در پاسخ به این پرسش که "دید شما در خصوص ظرفیت محاسبه اسلامی در تحلیل گزارش های مالی به نحو شفاف چیست؟" پاسخ های آتی از پاسخ دهندگان دریافت گردیدند:

جدول ۱۰: ظرفیت محاسبه اسلامی در تحلیل گزارش‌های مالی به نحو شفاف

دید	تعداد	فیصدی
کاملاً موافق	۸۳	۳۲.۸
موافق	۱۱۳	۴۴.۷
نمیدانم	۳۸	۱۵
مخالف	۱۶	۶.۳
کاملاً مخالف	۳	۱.۲
مجموع	۲۵۳	۱۰۰.۰

پرسش مزبور خیلی میرم است، و با سؤال اصلی تحقیق حاضر تقارن کامل دارد. در پاسخ به پرسش فوق با توجه به جدول ۱۰ از میان ۲۵۳ تن اشتراک‌کننده، تعداد کثیر اشتراک‌کننده‌گان تحقیق حاضر یا کاملاً موافق (۸۳ تن) یا هم موافق (۱۱۳ تن) هستند که محاسبه اسلامی ظرفیت و مؤثریت لازم را دارد تا گزارش‌های مالی را به نحو شفاف و بدون هیچ‌گونه کتمان حقایق و مکتوم نمودن تحلیل و ارائه کند. پاسخ‌دهندگان اندکی (۶.۳٪ مخالف و ۱.۲٪ کاملاً مخالف) با رویکرد بدبینانه به ظرفیت محاسبه اسلامی در تحلیل گزارش‌دهی مالی نگاه کرده اند و محاسبه اسلامی را فاقد این ظرفیت می‌دانند تا گزارش‌های مالی را به نحو درست و شفاف تحلیل کند.

پرسش مهم دیگری را که در پرسش‌نامه مطرح گردیده و پاسخ‌دهندگان به آن پاسخ داده‌اند، این بود که "آیا موافق/مخالف هستید که معضلات و مشکلات آتی ناشی از استفاده از چهارچوب‌های مقرراتی مختلف محاسبه در سیستم‌های مالی هستند؟" و جواب پاسخ‌دهندگان به نحو ذیل از بحبوحه تحلیل ارقام ذریعه برنامه SPSS استخراج شده است:

جدول ۱۱: معضلات ناشی از استفاده از چهارچوب های مقرراتی مختلف در گزارش دهی مالی

مشکلات	کاملاً موافق (%)	موافق (%)	نمیدانم (%)	مخالف (%)	کاملاً مخالف (%)	ردیف
مشکلات در خصوص مقایسه گزارش دهی مالی	۳۳.۲	۴۵.۸	۹.۹	۶.۳	۴.۷	۱
اختلاف در تفسیر معاملات مالی	۲۲.۹	۴۵.۸	۱۵.۴	۹.۹	۵.۹	۲
کاهش اعتماد بالای سیستم مالی	۲۲.۹	۴۰.۷	۱۵.۸	۱۳.۴	۷.۱	۳
ایجاد معضل برای محاسبین برای کار با سیستم های مختلف هزینه های سرسام آور آموزش محاسبین برای آموختن معیار های گزارش دهی مالی جهانی	۲۲.۵	۳۹.۵	۱۷.۸	۱۲.۶	۷.۵	۴
	۱۷.۴	۴۲.۷	۱۷.۰	۱۲.۳	۱۰.۷	۴

با عنایت به جدول ۱۱ واضح است که استفاده و تطبیق چهارچوب های مقرراتی متنوع در سیستم های مالی منجر به خلق و بروز معضلات و مسایل بغرنج و مغموض کثیری خواهند شد. در این جا از یافته های تحقیق حاضر معلوم می شود که مقایسه گزارش دهی مالی با رتبه اول و با فیصدی ۳۳.۲٪ از جمله یکی از

مشکلات عمده استفاده از چهارچوب‌های مقرراتی مختلف می‌شود، که خود راه را برای عدم درک درست از گزارش‌های مالی منتشر شده ذریعه جواب دیدخل فراهم می‌سازد. متعاقباً اختلاف در تفسیر معاملات مالی، کاهش اعتماد بالای سیستم‌های مالی در ردیف دوم با ۲۲.۹٪ قرار دارند، که به دید اشتراک‌کننده تحقیق، این معضلات ناشی از استفاده از چهارچوب‌های مقرراتی متنوع محاسبه مالی هستند. همچنین ایجاد معضل برای محاسبین برای کار با سیستم‌های مختلف، در ردیف سوم با ۲۲.۵٪ و در فرجام هم، هزینه‌های سرسام‌آور آموزش محاسبین برای آموختن چهارچوب‌های مقرراتی محاسبه اسلامی در رتبه (Rank) ۴ با ۱۷.۴٪ قرار دارد.

در فرجام هم که از اشتراک‌کننده‌گان تحقیق حاضر، در خصوص "تعمیم چهارچوب مقرراتی محاسبه اسلامی در تمام سیستم‌های مالی در افغانستان" پرسش به عمل آمد، پاسخ شان به این پرسش در قالب جدول آتی به نحو اجمالی تلخیص شده است:

جدول ۱۲: تعمیم چهارچوب مقرراتی محاسبه اسلامی در تمام سیستم‌های مالی در افغانستان

تعمیم	تعداد	فیصدی
کاملاً موافق	۶۳	۲۴.۹
موافق	۱۰۴	۴۱.۱
نمیدانم	۳۲	۱۲.۶
مخالف	۳۳	۱۳
کاملاً مخالف	۲۱	۸.۳
مجموع	۲۵۳	۱۰۰.۰

با توجه به جدول ۱۲ معلوم می‌شود که از میان ۲۵۳ تن از اشتراک‌کننده‌گان درصد قابل‌ملاحظه‌یی از آن‌ها (۲۴.۹٪ کاملاً موافق و ۴۱.۱٪ موافق) اند که چهارچوب مقرراتی محاسبه اسلامی بایست به تمام سیستم‌های مالی در افغانستان تعمیم داده شود؛ چون چهارچوب مقرراتی محاسبه اسلامی به نحو نظام‌مند، ساختار یافته و با نظم و نسق مرتب و عاری از هرگونه تقلب و تزویر گزارش‌های مفصل و مستدل را در خصوص موقف مالی بزنس‌ها و تصدی‌ها و همچنان مسئولیت‌های اجتماعی و حتی وجایب دینی و اجتماعی یک نهاد حقوقی را به جامعه تبلور و تبارز می‌دهد.

مناقشه و نتیجه‌گیری

نیاز مبرم است تا محاسبه به نحو شفاف و بدون هیچ‌گونه ابهام و اغماضی، گزارش‌های مالی را تهیه و به تصمیم‌گیرندگان برساند. به این منظور شفافیت و حسابداری زیربنا و اساس محاسبه است. به غرض حصول این غایت، محاسبه بایست در داخل یک چهارچوب مقرراتی تنظیم شود، تا از هرگونه اغلاط عمدی و دلبخواهانه جلوگیری شود. به منظور تنظیم و تنسيق امور محاسبه و شفاف بودن گزارش‌دهی مالی در

جهت تصامیم به وقت و مقتضی برای تمام سازمان‌ها و نهادهای دولتی، معیارهای گزارش‌دهی متنوعی نظیر IFRS و GAAP متداول و مرسوم شده‌اند، تا تمام امورات محاسبه را تنظیم و سازمان‌ها و نهادهای دولتی از هرگونه اشتباهات و کلاهبرداری‌ها مصئون؛ و بقا و تداوم شان تضمین شود. ولی علی‌رغم تدوین این همه اصول و معیارهای گزارش‌دهی مالی، این معیارها در حصول اهداف عمده شان که شفافیت و حسابدهی در گزارش‌دهی مالی است، محکوم به شکست بوده‌اند. چون اساس شان بر بنیاد اشتباه گذاشته شده است؛ زیرا در دستور کار این معیارهای وضعی و ساخته بشر، همیشه حصول مفاد است و در گزارش‌دهی مالی شان همیشه اغلاط حسابی عمدی و ناخواسته موجود اند. اما چون در اسلام، اصول محاسبه بر مبنای شریعت اسلامی است، و شریعت اسلامی هیچ‌گونه اعمالی که در مغایرت با اسلام باشند، را مؤجه نمی‌داند، و از طرفی چون در اسلام و در چهارچوب مقرراتی محاسبه اسلامی، گزارش‌های منتشر شده مبنی براین اصل اند که انسان مسئولیت حسابدهی دوگانه دارد (حسابده به خداوند و عوام)، لذا این چهارچوب مقرراتی خود مبنای شفافیت و حسابدهی است.

با عنایت به این مسایل، با تحقیق حاضر، در خصوص نظام مالی افغانستان، به این پرداختیم که آیا چهارچوب مقرراتی محاسبه اسلامی منجر به شفافیت و حسابدهی در سیستم مالی در افغانستان شده است یا خیر. تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده، یافته‌های تحقیق حاضر نشان می‌دهند که چهارچوب مقرراتی محاسبه اسلامی سبب شفافیت و حسابدهی در سیستم‌های مالی شده است، و همه پاسخ‌دهندگان تحقیق حاضر به این موافق اند که چهارچوب مقرراتی محاسبه اسلامی منجر به شفافیت و حسابدهی در سیستم‌های مالی در افغانستان شده است. نتایج مبتنی بر یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که مقرون به واقعیت بودن راپوردهی مالی با رتبه (Rank) اول و با ۴۶.۶٪ از جمله شاخص عمده شفافیت و حسابدهی است که بیشتر اشتراک‌کننده ما به این کاملاً موافق‌اند که چهارچوب مقرراتی محاسبه اسلامی حاوی این شاخص است. به همین منوال قابل اعتماد بودن راپورهای مالی نیز از شاخص‌هایی است که با ۳۴.۸٪ پاسخ کاملاً موافق در رتبه دوم و قابل مقایسه بودن گزارش‌های مبنی بر چهارچوب مقرراتی محاسبه اسلامی در رتبه بعدی قرار دارد. همه این یافته‌های تحقیق حاضر، مصداق این مسئله اند که چهارچوب مقرراتی محاسبه اسلامی نقش به‌سزایی در شفافیت و حسابدهی در سیستم‌های مالی در افغانستان دارد. از طرف دیگر تعداد کثیری از پاسخ‌دهندگان (۳۲.۸٪) کاملاً موافق هستند که اعمال چهارچوب مقرراتی محاسبه اسلامی در نهادهای مالی در افغانستان، منجر به تقویت اعتماد جوانب ذیدخل به سیستم‌های مالی می‌شود. همچنان هماهنگ‌کردن نتایج سیستم‌های مالی از اهدافی است که ذریعه اعمال چهارچوب مقرراتی محاسبه اسلامی حصول می‌شود. نتایج مزبور شایان توجه اند. استدلال از نتایج مستنبط ذریعه

تحقیق فعلی، این است که تطبیق چهارچوب مقرراتی محاسبه اسلامی در نهادهای مالی در افغانستان، منجر به شفافیت و حسابدگی در افغانستان می‌شود و بایست این چهارچوب مقرراتی در افغانستان تطبیق شود. همچنان بیشتر پاسخ‌دهندگان تحقیق حاضر کاملاً موافق اند (۵۰.۲٪) که هدف عمده گزارش‌دهی مالی مبنی بر چهارچوب مقرراتی محاسبه اسلامی، تهیه معلومات در مطابقت با شریعت اسلامی است. یعنی چهارچوب مقرراتی محاسبه اسلامی چون در داخل چهارچوب شریعت نظم و نسق یافته است، لذا موازی با آن حرکت می‌کند، و گزارش‌های مالی را نیز در تطابق با شریعت اسلامی ترتیب می‌کند.

از طرف دیگر اکثریت پاسخ‌دهندگان تحقیق حاضر، در میان انتخاب میان گزینه‌های متبادل معیارهای گزارش‌دهی مالی، AAOIFI را انتخاب کرده‌اند. بناً استنباط می‌گردد، چون AAOIFI در چهارچوب شریعت فعالیت دارد، و اصول شریعت در اصول و مواد این معیار استفاده شده‌اند؛ لذا اعمال یک چنین معیار گزارش‌دهی، می‌تواند در تقویت شفافیت و حسابدگی، نقش به سزایی را ایفا کند. یافته‌های تحقیق حاضر، با یافته‌های عبدالطیف (۲۰۰۵) در تقارن کامل قرار دارند.

همچنان بیشتر پاسخ‌دهندگان تحقیق حاضر باورمند هستند (۳۲.۸٪ کاملاً موافق و ۴۴.۷٪ موافق) که محاسبه اسلامی ظرفیت لازم را برای تحلیل معاملات مالی به نحو شفاف دارد. این مسئله ناشی از آن است که محاسبه اسلامی بر حول محور چهارچوب مقرراتی‌اش می‌چرخد و این چهارچوب مقرراتی جلو آزادی دلخواهانه افراد را در تحلیل معاملات می‌گیرد؛ لذا می‌تواند گزارش‌های مالی را به وجه احسن و با شفافیت تمام تحلیل و به تصمیم‌گیرندگان بدون هیچ‌گونه اغمازی پیشکش کند. مسئله شایان توجه‌یی که بایست ذکر شود این است که از تعداد کثیری از اشتراک‌کنندگان (۳۳.۲٪) و با ردیف (Rank) اول، معضل مقایسه گزارش‌دهی مالی مبنی بر چهارچوب‌های مقرراتی معیارهای مختلف سیستم‌های مالی در افغانستان را چالش برانگیز خوانده‌اند. یعنی استفاده از معیارهای مختلف محاسباتی در افغانستان سبب اغماض و صهوبیت این مسئله می‌شود، و مانع این می‌شوند که گزارش‌ها بدون هیچ‌گونه دشواری تفسیر شوند. در فرجام تعداد قابل ملاحظه‌یی از اشتراک‌کنندگان تحقیق (۶۳ تن کاملاً موافق و ۱۰۴ تن) باور دارند که چهارچوب مقرراتی محاسبه اسلامی را می‌توان به‌خاطر مزایای عمده‌اش در اشاعه شفافیت و حسابدگی به تمام سیستم‌های مالی افغانستان تعمیم داد.

یافته‌های تحقیق حاضر با یافته‌های عبدالطیف (۲۰۰۵) متقارن اند؛ وی نیز با تحقیقی در خصوص اثرات چهارچوب مقرراتی محاسبه اسلامی بر شفافیت و حسابدگی در سیستم مالی کشور عربستان، به این نتیجه رسیده است که چهارچوب مقرراتی محاسبه اسلامی منجر به شفافیت و حسابدگی در سیستم‌های مالی کشور مزبور شده است. ولی آن‌چه خیره‌کننده است، یافته‌های صافی و همکاران (۲۰۲۰) در این خصوص

است که در مغایرت کامل با یافته‌های تحقیق حاضر قرار دارند. او و همکارانش با یافته‌های تحقیق شان به این نتیجه رسیده اند که نسبت فقدان چهارچوب مقرراتی قانونی و رسمی در سیستم مالی افغانستان، مردم به خدمات، گزارش‌دهی و شفافیت مؤسسات مالی بی‌باور اند؛ به رغم آن یافته‌های تحقیق حاضر نشان می‌دهند که تعداد کثیری از پاسخ‌دهندگان، به شفافیت و حسابدهی باورمند اند و معتقد اند که چهارچوب مقرراتی محاسبه اسلامی سبب شفافیت و حسابدهی شده است.

با عنایت به یافته‌های تحقیق حاضر، پیشنهاداتی که در خصوص تقویت گزارش‌دهی مالی در سیستم‌های مالی و شفافیت و حسابدهی هرچه بیشتر آن داریم، می‌توانند برای دست‌اندرکاران سیستم‌های مالی افغانستان و به‌خصوص کسانی که درحوزه پالیسی‌سازی سیستم مالی و محاسبه و به‌خصوص بانک مرکزی افغانستان و بانک‌های خصوصی افغانستان متصدی اند، ممد واقع شوند و ذریعه درنظر گرفتن این پیشنهادات در تصمیم‌گیری شان، می‌توانند به تقویت هرچه بیشتر سیستم‌های مالی افغانستان مساعدت نمایند. شاهد هستیم که علی‌رغم این‌که به‌منظور پرداختن به حل قضایای بغرنج محاسباتی و شفاف‌مندتر ساختن محاسبات در افغانستان، در اکتوبر ۲۰۱۵ بانک مرکزی افغانستان مبادرت به تدوین چهارچوب مقرراتی برای بانک‌های اسلامی ورزید و در سال ۲۰۱۶ افغانستان رسماً به صنعت مقررات محاسبه اسلامی جهانی قدم برداشت؛ ولی تا حال همه مؤسسات مالی در افغانستان از معیارهای بین‌المللی گزارش‌دهی مالی استفاده می‌کنند؛ چون در مباحث قبلی به این پرداختیم که ساختار اجتماعی-اقتصادی جوامع اسلامی کاملاً از کشورهای غیراسلامی متفاوت است؛ لذا به این منظور محاسبه و گزارش‌دهی نیز بایست بر مبنای چهارچوب مقرراتی اسلامی باشد. از آن‌جا که یافته‌های تحقیق حاضر نشان می‌دهند که چهارچوب مقرراتی محاسبه اسلامی سبب شفافیت و حسابدهی گزارش‌دهی مالی شده است؛ لذا تعمیم چهارچوب محاسبه اسلامی در تمام سیستم‌های مالی بایست ذریعه پالیسی‌سازان روی دست گرفته شود. چون اساس محاسبه متعارف مفاد محض است و چهارچوب آن تنها در محدوده گزارش‌دهی به جوانب ذیدخل (نه تمام افراد جامعه) است، لذا نمی‌تواند به مقتضیات جامعه افغانستان پاسخ‌گو باشند، و دراین خصوص بایست تجدید نظر شود. چون از مزایای محاسبه اسلامی این است که به همه پاسخ‌گو است و همه افراد را از فعالیت مالی‌اش در روشنایی قرار می‌دهد. از آن‌جا که تعداد کثیر پاسخ‌دهندگان به این موافق اند که چهارچوب مقرراتی محاسبه اسلامی می‌تواند که مسئولیت‌های اجتماعی نهادهای مالی را تبیین و منابع استفاده از وجوه زکات را مبرهن کند؛ لذا این رویکرد باید اتخاذ و به تمام سیستم‌های مالی افغانستان تعمیم داده شود. از طرف دیگر چهارچوب‌های مقرراتی محاسبه متعارف، با توجه به یافته‌های تحقیق، چون اصول و قواعد بغرنج وضعی زیادی دارند، و اغماض آن‌ها سبب می‌شود تا نهادهای مالی

هزینه‌های سرسامی را بابت آموزش محاسبین متحمل شوند، و سبب عدم درک آن ذریعه افراد می‌شود؛ لذا گذار از محاسبه متعارف و چهارچوب‌های مقرراتی به یک سیستم محاسباتی اسلامی در داخل چهارچوب مقرراتی محاسباتی آن می‌تواند مزیت عمده‌یی برای نهادهای مالی در افغانستان باشد، و با اتخاذ این رویکرد می‌توانند بدون پرداخت هزینه‌های سرسام‌آور بابت آموزش کارکنان واحدهای محاسبوی، در جهت شفافیت و حسابدهی گزارش‌دهی مالی گام بردارند.

همچنان دغدغه عمده دیگری که از بجبوجه نتایج مستنبط از یافته‌های تحقیق، این بود که استفاده از معیارهای مختلف گزارش‌دهی مالی، سبب شده اند که گزارش‌های مالی تراوش شده از این معیارهای متنوع، با هم قابل مقایسه نباشند. چون هر کدام به تبعیت از یک ساختار متفاوت و اصول متفاوت فعالیت می‌کنند؛ لذا دریافت وجوه اشتراک در آن‌ها، و تحلیل بر مبنای این گزارشات و دریافت یک نتیجه منسجم و مستدل از این گزارش‌ها غیرممکن شده است. این یک ضعف است که توسط پالیسی‌سازان این عرصه بایست اصلاح شود، و معیار و چهارچوب مقرراتی واحدی باید در این راستا اتخاذ شود، تا از هرگونه پراگندگی و اختلاف در تفسیر معاملات مالی و قابل مقایسه بودن آن‌ها اطمینان حاصل شود. در فرجام تحقیق حاضر شایان تذکر است که، از آن جا که یک چنین تحقیقی در بافت (Context) سیستم مالی افغانستان بکر است، و تاحال تحقیق‌های قلیلی در این خصوص انجام پذیرفته اند؛ لذا تحقیق حاضر علیرغم عدم پوشش تمام ابعاد این مسئله، می‌تواند در این خصوص برای محققین بالقوه ممد واقع شود، و محققین ذریعه استفاده از این تحقیق، می‌توانند تمام ابعاد در نظر گرفته نشده و سایر موارد مؤثر در این خصوص را تفحص و سبب غنای بیشتر علمی در خصوص محاسبه اسلامی و تطبیق، اعمال و تعمیم آن در سیستم‌های مالی و درک مزایای کلی آن بر روند شفافیت و حسابدهی سیستم‌های مالی در افغانستان شوند.

منابع

قرآن کریم

- آراغ، اکبریان، مریم، حامد آزاد. (۱۳۹۱). معیارهای اندازه گیری در حسابداری با تطبیق دیدگاههای معرفت شناسی دینی اسلام در برابر دیدگاههای غربی. فصلنامه دانش و پژوهش حسابداری، ۴۱-۳۶.
- د افغانستان بانک. (۱۳۹۸). رهنمود رعایت اصول شریعت در معاملات مالی بانکداری اسلامی در افغانستان: کابل
- عبدالکریم، گیمبلینگ و همکاران. (۱۹۸۶). حسابداری در جوامع اسلامی.
- نصر و همکاران. (۱۳۸۹). آیا پایه و اساس حسابداری بر مبنای فلسفه پست مدرن باشد یا اعتقادات دین مسیحیت فصلنامه دانش و پژوهش حسابداری.
- Ahmed, H. (2002). Incentive compatible profit-sharing contracts: a theoretical treatment. *Islamic Banking and Finance*, 40-54.
- Asfadillah, C., Latifah, I. N. & Sukmana, D. (2012). The Importance of Islamic Accounting in Modern Era. In... *Cambridge Business and Economics Conference*. London.
- Basri, Hasan & et al (2016). Accounting and Accountability in Religious Organizations: An Islamic Contemporary Scholars' Perspective. *Gadjah Mada International Journal of Business*, 207-230.
- Grais, M., Pellegrini, M. (2006). Corporate Governance in Institutions Offering Islamic Financial Services: Issues and Options. Retrieved from World Bank Policy Research Working Paper.
- Hafizullah, A. M., Sayed (2009). *Islamic Accounting Systems and Practices*.
- Khan Shah Raza, Khan, H, Iqbal, Khurshid (2018). Merits in Applying AAOIFI Accounting Standards in Pakistani Islamic Banks. *NUML International Journal of Business & Management*, 13(ISSN 2410-5392 (Print), ISSN 2521-473X (Online)).
- Kalamatian, Hassan (2014). A Model for Accounting in Islamic Societies Using Delphi Technique. *Indian J. Sci. Res*, 676-680.
- Karim, R. (2001). International accounting harmonization, banking regulation, and Islamic banks. *The International Journal of Accounting*, 169-193
- Makhlof, M. (2018). Retrieved from *Islamic Banking Opportunities Across Small and Medium Enterprises in MENA: Executive Summary*, World Bank Group, Washington, DC: <http://documents.worldbank.org/curated/en/997581487153582013/Islamic-banking-opportunities-across-smalland-medium-enterprises-in-MENA-executive-summary>
- Majid, Halding (2014). The Need for the Islamization of Knowledge in Accounting. *Journal Ilmu Ekonomi Syariah*, 11-22.
- Mahdavikhou, M. & Khotanlou, M. (2012). New Approach to Teaching of Ethics in Accounting: 'Introducing Islamic Ethics into Accounting Education. 1318-1322.
- Mohammed, NorFarizal. (2016). The need for Islamic accounting standards: the Malaysian Islamic financial institutions experience. Faculty of Accountancy, University of TeknologiMARA, Malaysia.

- Safi, Lina & et al. (2020). Knowledge of Islamic banking and bank customer satisfaction in Afghanistan: an exploratory analysis. *Int. J. Business Performance Management*, 21-37.
- Salman Reza, Kaustar (2022). Exploring the History of Islamic Accounting and the Concept of Accountability in an Islamic Perspective. *Journal of Islamic Economic and Business Research*, 114-130.
- Sultan Abudllah, AI-Abdullatif (2005). The impact of Islamic Accounting regulatory framework on transparency and accountability: Case study of Saudi Arabia Financial systems. *Managerial Auditing Journal*, 13-16.
- Talib, M.A., Abdullah, A. A., Abdullah, A. (2014). Syari'ah-Based Accounting (sbA): Awareness of Accounting Academicians in Malaysia. *Pertanika Journal of Social Sciences & Humanities*, 22.
- Trokic A. (2015). Islamic Accounting; History, Development and Prospects. *European Journal of Islamic Finance*.
- Vinnicombe, T., (2012). A Study of Compliance with AAOIFI Accounting Standards by Islamic Banks in Bahrain. *Journal of Islamic Accounting and Business Research*, 3(2), 78-98.
- WahidUllah, A. (2009). Islamic Accounting Systems and Practices. *Cost and Management*, pp.9-16.
- Waluya, A.H., Mulahudin. A. (2020). Accountability and transparency of Islamic Accounting. *Hukam Ekonomy syaria*, 282-284.